

اسلام؛ تبرک؛ وهابیت

اسلام؛ تبرک؛ وهابیت

تبرک از مسائلی است که از ناحیه وهابیان به شدت انکار شده است و آن را از مصادیق شرک شمرده اند و با کسانی که قصد تبرک جستن از آثار انبیاء و صالحان را داشته باشند، مقابله و مبارزه می کنند.

اسلام؛ تبرک؛ وهابیت

تبرک از مسائلی است که از ناحیه وهابیان به شدت انکار شده است و آن را از مصادیق شرک شمرده اند و با کسانی که قصد تبرک جستن از آثار انبیاء و صالحان را داشته باشند، مقابله و مبارزه می کنند.

فتاوی وهابیان در حرمت تبرک

- 1- صالح بن فوزان از مفتیان وهابیان در المنتقی من فتاوی می گوید: «سجده کردن بر تربت اگر چه به قصد تبرک و تقرب به ولی باشد، شرک اکبر است.»
- 2- ابن عثیمین در کتاب مجموع الفتاوی می گوید: «تبرک جستن به پارچه کعبه و مسح آن از بدعتهاست، زیرا در این باره از پیامبر صلی الله علیه و علی آله و سلم چیزی به ما نرسیده است.»
- 3- شورای دائمی مفتیان وهابیان نیز توجه پیدا کردن مردم به مساجد و مسح نمودن دیوارها و محرابها و تبرک به آن را بدعت و نوعی شرک و شبیه به عمل کفار در جاهلیت قلمداد کرده اند.
- 4- بن باز در کتاب فتاوی الاسلامیه می گوید: «قرار دادن قرآن در ماشین به جهت تبرک، اصل و دلیلی نداشته و غیر مشروع می باشد.»

معنای تبرک

تبرک در لغت به معنای طلب برکت است و برکت به معنای زیادت و رشد یا سعادت است. تبرک به چیزی یعنی طلب برکت از طریق آن شیء. و در اصطلاح به معنای طلب برکت از طریق حقایق و اشیایی است که خداوند برای آنها امتیازات و مقام های خاصی قرار داده است، همانند لمس کردن یا بوسیدن دست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا برخی از آثار آن حضرت بعد از وفات ایشان.

تبرک در قرآن کریم

کلمه تبرک در قرآن کریم با الفاظ گوناگونی به کار رفته است؛ و این معنا را افاده می کند که خداوند به برخی از اشخاص یا مکان ها و زمان های معینی به جهات خاصی نوعی برکت افاضه کرده است.

الف) برکت در اشخاص

- 1- خداوند متعال درباره نوح علیه السلام و همراهانش می فرماید: «قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَ بَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَ عَلَى أُمَّةٍ مِّمَّنْ مَعَكَ»¹: «ای نوح از کشتی فرود آی که سلام و برکت و رحمت ما بر تو و بر آن امم و قبایلی که همیشه با تو هستند.»
- 2- همچنین درباره حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: «وَ جَعَلْنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ

أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا»²؛ «و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته، و تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرده است»

3- در مورد حضرت موسی علیه السلام می فرماید: «فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»³؛ «چون نزد آن آمد، آوا رسید که: «خجسته [و مبارک گردید] آنکه در کنار این آتش و آنکه پیرامون آن است، و منزّه است خدا، پروردگار جهانیان.»

4- درباره اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ویا اهل بیت ابراهیم علیه السلام می فرماید: «رَحِمَتُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ»⁴؛ «رحمت خدا و برکات او بر شما خاندان [رسالت] باد. بی گمان، او ستوده ای بزرگوار است.»

ب) برکت در زمان و مکان

لفظ برکت و مشتقات آن در مورد برخی از اماکن و بخش هایی از زمین یا زمان نیز به کار برده شده است.

1- خداوند متعال درباره مکه مکرمه می فرماید: «إِنَّ أَوْلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي لَبَّيْكَ مَبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ»⁵؛ «در حقیقت، نخستین خانه ای که برای [عبادت] مردم، نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارک، و برای جهانیان [مایه] هدایت است.»

2- در رابطه با مسجد الاقصی و اطراف آن می فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ»⁶ منزّه است آن [خدایی] که بنده اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی- که پیرامون آن را برکت داده ایم- سیر داد.»

3- درباره شب قدر می فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبْرَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ»⁷؛ «[که] ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم، [زیرا] که ما هشداردهنده بودیم.»

تبرک در تاریخ

آیا تبرک به معنای تاریخی آن یک واقعیت تاریخی است و در بین امت های صاحب شریعت رایج بوده است، تا از سیره و روش آنان کشف کنیم که تبرک در بین امت های دینی پیشین نیز امری مشروع بوده است؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت: تبرک به آثار انبیاء از جمله مسائلی است که در امت های پیشین نیز سابقه داشته است، که در ادامه به برخی از آن اشاره می شود:

1- پروردگار یکتا درباره ی تبرک حضرت یعقوب علیه السلام به پیراهن فرزندش حضرت یوسف علیه السلام می فرماید: «ادْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا قَالِقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا»⁸ «این پیراهن مرا ببرید و آن را بر چهره پدرم بیفکنید [تا] بینا شود.»

برادران یوسف علیه السلام این امر را امتثال کردند و پیراهن یوسف علیه السلام را بر صورت پدر انداختند و یعقوب علیه السلام به اذن خداوند و برکت این پیراهن بینا شد. البته خداوند قدرت دارد که این کار را مستقیماً انجام دهد ولی از آنجا که عالم، عالم اسباب و مسببات است و اسباب نیز برخی مادی و برخی معنوی است، حکمت الهی بر این تعلق گرفته است که در وجود انبیاء و صالحین و آثار آنان برکت قرار دهد تا از این طریق مردم به آنان اعتقاد پیدا کرده و به آنان نزدیک شده با الگو قرار دادن آنان به خدا تقرب بجویند.

2- از دیگر مواردی که قرآن به آن اشاره کرده است، تبرک جستن بنی اسرائیل به تابوتی است که در آن آثار آل موسی و آل هارون بوده است. «إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ بَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَ آلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ»⁹ و پیامبرشان به ایشان گفت: «در حقیقت، نشانه پادشاهی او این است که آن صندوق [عهد] که در آن آرامش خاطر از

جانب پروردگارتان، و بازمانده ای از آنچه خاندان موسی و خاندان هارون [در آن] بر جای نهاده اند- در حالی که فرشتگان آن را حمل می کنند- به سوی شما خواهد آمد.»
این تابوت همان تابوتی است که مادر حضرت موسی علیه السلام به امر خدا فرزندش را در آن قرار داد و بر روی آب رها نمود و این تابوت در میان بنی اسرائیل احترام خاصی داشت، به حدی که به آن تبرک می جستند. حضرت موسی علیه السلام قبل از وفاتش، الواح و زره خود و آنچه از آیات نبوت بود در آن قرار داد و نزد وصی اش یوشع به ودیعت نهاد. این صندوق نزد بنی اسرائیل بود و آن را از دید مردم نهان می داشتند و مادامی که تابوت نزدشان بود در عزت و رفاه بودند ولی هنگامی که به آن تابوت بی احترامی کردند، خداوند آن را مخفی نمود، آنان پس از مدتی آن را از یکی از انبیایان خواستند؛ خداوند طالوت را پادشاه آنان کرد و نشانه ی ملک او، همان صندوق - عهد - بود.

سیره مسلمین در تبرک

الف) تبرک جستن به آثار پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان حیات در همه کتب حدیثی با نقل متواتر آمده است که: صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان حیات ایشان با مباشرت و خواسته خود آن حضرت به آثار اوتبرک می جستند. چنان که پس از وفات ایشان نیز، این روش را ادامه دادند. برخی از دلایل سخن، چنین است:

1- تبرک جستن به آب دهان پیامبر صلی الله علیه و آله
در صحیح بخاری¹⁰ از سهیل بن سعد روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ خیبر فرمود: فردا این پرچم را به دست کسی خواهم داد که خداوند خیبر را به دست او می گشاید، او دوستدار خدا و رسول خداست و خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله دوستاندار اویند. راوی گوید: مردم آن شب را به سختی سپری کردند تا بدانند پرچم به دست کدامین آنها داده خواهد شد. بامدادان همگی به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و هر یک امید آن داشت که پرچم به او داده شود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: علی کجاست؟ گفته شد: یا رسول خدا او از درد چشمانش می نالد. پیامبر به دنبال او فرستاد تا حاضر شد، و دو چشم او را با آب دهان شفا بخشید، به گونه ای که گویا دردی وجود نداشته است... تا آخر حدیث¹¹. این روایت در صحیح مسلم از قول سلمه بن اکوع چنین است:

گوید: نزد علی آمدم و او را که دچار درد چشم بود با خود می کشیدم تا نزد رسول خدا آوردمش. آن حضرت با آب دهان چشمانش را شفا بخشید و پرچم را به دست او داد¹²
2 - تبرک جستن به وضوی رسول خدا صلی الله علیه و آله:

در صحیح بخاری از انس بن مالک روایت کند که گفت:
وقت نماز عصر فرا رسید و مردم برای وضو به جستجوی آب پرداختند و نیافتند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با ظرف وضو سر رسید و دست خود را در آن نهاد و به مردم فرمود وضو بگیرند. ناگهان دیدم آب از سر انگشتان آن حضرت همچون چشمه می جوشید و مردم تا آخرین نفر از آن وضو گرفتند¹³.

و در روایت دیگری از جابر بن عبدالله گوید:

من با پیامبر صلی الله علیه و آله بودم که وقت نماز عصر فرا رسید و ما جز اندکی آب نداشتیم. آن را در ظرفی ریختند و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آوردند. ایشان دست خود را در آن فرو بردند و انگشتان خود را باز کردند و فرمودند: وضو گیرندگان بشتابند که خداوند برکت افزایش دهد. ناگهان دیدم آب از میان انگشتان آن حضرت می جوشید تا آنگاه که مردم وضو گرفتند و نوشیدند، و این معجزه چنان در من اثر کرد که دیگر دچار تردید نگشتم و دانستم که این عین برکت است. به جابر گفتند: شما در آن روز چند نفر بودید؟ گفت: یک هزار و چهارصد نفر! و در

روایت دیگری، پانصد نفر.¹⁴

3- تبرک جستن به موی پیامبر صلی الله علیه و آله:

مسلم در صحیح خود روایت می کند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله به منی آمد و پس از رمی جمرات و قربانی کردن، سر خود را تراشید و آن را به مردمان داد.

و در روایت دیگری گوید: آن حضرت سرتراش را فرا خواند و پس از تراشیدن موها، آنها را به اباطلحه داد. راوی گوید: او نیز آنها را میان مردم تقسیم کرد.¹⁵

و نیز از انس بن مالک روایت کند که گفت:

رسول خدا صلی الله علیه و علی آله و سلم را دیدم که سر می تراشید و صحابه آن حضرت دور او را گرفته بودند تا هر مویی که فرو افتد در دست یکی از آنان قرار گیرد.¹⁶

و در کتاب اسد الغابه در شرح حال خالد بن ولید گوید:

خالد بن ولید که در نبرد با ایرانیان و رومیان نقش ویژه و برجسته ای داشت به هنگام فتح دمشق در شب کلاهی که با آن می جنگید، تار مویی از رسول خدا صلی الله علیه و علی آله و سلم را قرار داده بود که به برکت آن فتح و ظفر می جست و همیشه پیروز بود.

همچنین در شرح حال او در اصابه و مستدرک حاکم گویند:

خالد بن ولید در نبرد یرموک شب کلاه خویش را گم کرد و دستور داد آن را بجویند. ابتدا آن را نیافتند، ولی دوباره جستجو کردند و آن را یافتند و دیدند شب کلاهی کهنه و مندرس است. خالد گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله در سالی عمره به جای آورد و سر تراشید. مردمان به جمع آوری موهای آن حضرت پرداختند و من در گرفتن موی پیشانی بر آنان سبقت گرفتم و آن را در این شب کلاه نهادم و اکنون در هیچ نبردی حاضر نمی شوم که این شب کلاه با من باشد مگر آنکه پیروزی نصیب من می گردد.¹⁷

و در صحیح بخاری روایت کند که: تارهای از موی پیامبر صلی الله علیه و علی آله و سلم نزد ام سلمه زوجه رسول خدا صلی الله علیه و علی آله و سلم بود که هرگاه کسی را چشم زخمی می رسید ظرف آبی خدمت ایشان می فرستاد تا آن موها را در آن فرو کند و آسیب دیده را شفا بخشد.¹⁸ عبیده گوید: اگر یک تار موی پیامبر نزد من باشد از همه دنیا و هر چه در آن است نزد من محبوبتر است.¹⁹

4- تبرک جستن به لباس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم:

عبدالله خادم اسماء دختر ابوبکر گوید: بانوی من اسماء جبه و روپوش بلندی با نشان های سبز به من نشان داد و گفت: این جبه را رسول خدا صلی الله علیه و علی آله و سلم می پوشید و ما آن را می شویم و از آن شفا می گیریم.²⁰

و در صحیح مسلم گوید: این جبه رسول خدا صلی الله علیه و آله است. سپس جبه ای بلند و خسروانه بیرون آورد که جادکمه ها و چاکهای آن از حریر و دیباج بود و گفت:

این جبه نزد عایشه بود تا از دنیا رفت و پس از او به من رسید. پیامبر صلی الله علیه و آله آن را می پوشید و ما آن را می شویم تا بیماران به وسیله آن بهبود یابند.²¹

5 - تبرک جستن به تیر و پیکان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:

بخاری درباره صلح حدیبیه روایت کرده و گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله با سپاهیان خود در انتهای حدیبیه بر سر چاهی کم آب فرود آمدند مردم به سوی آن شتافتند و با سرعت آب آن را کشیدند و اندکی بعد از تشنگی به رسول خدا صلی الله علیه و علی آله و سلم شکوه کردند. پیامبر صلی الله علیه و علی آله و سلم تیری از تیردان خود بیرون کشید و فرمود تا آن را در درون چاه قرار دهند. پس به خدا سوگند پیوسته جوشید و آنان را سیراب کرد تا از آنجا کوچ کردند.²²

6- تبرک جستن به جای دست پیامبر صلی الله علیه و آله:

در کتاب اصابه و مسند احمد در شرح حال حنظله روایتی است که فشرده آن چنین است: حنظله گوید: جد من مرا خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله برد و گفت: من پسرانی بزرگ و کوچک دارم که این کوچکترین آنهاست. برای او دعا بفرمایید. پیامبر صلی الله علیه و آله دستی بر سر او کشید و فرمود: خداوند سعادتت افزایش دهد. یا: او سعادتمند است. راوی گوید: با چشم خود دیدم که بیماران صورت باد کرده یا حیوانات پستان ورم کرده از نزد حنظله می آوردند و او بر دست خود آب دهان می زد و با بسم الله آن را به سر خود می کشید و می گفت: این جای دست رسول خدا صلی الله علیه و آله است. سپس محل ورم کرده را مسح می کرد و به گفته راوی، ورم برطرف می شد.²³ و در عبارت اصابه آمده است:

حنظله بسم الله می گفت و دستش را بر سر خود که جای دست رسول خدا صلی الله علیه و آله بود می نهاد و آن را مسح می کرد و سپس بر محل ورم کرده می کشید و آماس آن بر طرف می شد.

ب) تبرک صحابه و تابعین به آثار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از وفات ایشان
1- بخاری در صحیح بابی را به این مضمون ذکر کرده است: «زهر، عصا، شمشیر، ظرف، انگشتر، مو، کفش و... از چیزهایی بود که صحابه و دیگران بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آن تبرک می جستند.»²⁴

2- ابن سعد می گوید: در حنوط انس بن مالک، کیسه ای از مشک و موی از موهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را قرار دادند.²⁵

3- صفیه می گوید: هر گاه عمر بر ما وارد می شد دستور می داد تا کاسه ای که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزد ما بود را به او بدهیم، سپس آن را از آب زمزم پر می نمود و از آن می آشامید و به قصد تبرک بر صورتش می پاشید.²⁶

4- نافع نقل می کند که: ابن عمر را دیدم که نماز می گزارد در مکان هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز خوانده بود.²⁷

5- عبدالله بن احمد بن حنبل می گوید: پدرم را دیدم که تار مویی از موهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را گرفته و بر لب های خود می گذارد و می بوسد، و گمان می کنم که آن را بر چشم خود می گذاشت و نیز در آبی می شست و آن را می آشامید و به واسطه آن استشفای می جست و نیز دیدم که کاسه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را گرفته و در آب فرو برده و از آن می آشامید.²⁸

6- ابن عساکر به سند خود از امام علی علیه السلام نقل می کند: بعد از دفن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه سلام الله علیها بر بالای قبر پدر ایستاد و مشتکی از خاک قبر را برداشته و بر دیدگانش مالید و فرمود:

ماذا علی من شم تربة احمد أن لا یشم مدی الزمان غوالیا
صبت علی مصائب لو أنها صُبت علی الأيام عدن لیلیا²⁹

از این دست اخبار در کتب حدیثی پیروان مکتب اهل بیت و پیروان مکتب خلفا بسیار به چشم می خورد.

دلالت نصوص تبرک

نصوص تبرک به آثار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دلالت صریح دارد بر این که برکت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از ذاتش به اشیایی که به حضرت به نوعی ارتباط داشته است منتقل می شود.

نووی در شرح صحیح مسلم در مورد حدیث عتبان بن مالک که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درخواست کرد تا در مکان او نماز گذارد تا آنجا را مصلاهی خود قرار دهد می گوید: «و فی حدیث عتبان فوائد کثیره منها: تبرک بالصالحین و آثارهم و الصلاة فی المواضع التي صلوا بها و طلب التبرک منهم»³⁰ «و در حدیث عتبان فوائد بسیاری است که از جمله ی آنها تبرک به صالحین و آثار آنان و نماز به جای آوردن در مواضعی که آنان در آنجا نماز به جای آورده اند و نیز طلب تبرک از آنان می باشد.»

ابن حجر عسقلانی در شرح این حدیث در فتح الباری در شرح این حدیث می گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دعوت به نماز شده بود تا صاحب خانه به مکان نماز حضرت تبرک جوید. لذا خواست تا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در قسمتی که اختصاص به این کار داده بود نماز به جای آورد.»³¹

رأی ابن تیمیه و احمد بن حنبل در تبرک

ابن تیمیه در کتاب «افتضاء الصراط المستقیم» نقل می کند: «احمد بن حنبل و غیر او اجازه داده اند تا انسان منبر و جا دستی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر روی منبر را برای تبرک مسح نماید! ولی مسح قبر آن حضرت را رخصت نداده اند! ولی برخی دیگر از اصحاب ما روایتی از احمد نقل کرده که مسح قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نیز جایز شمرده است.»³²

باری؛ برکت و فرخندگی همچون نور خورشید و عطر شکوفه از رسول خدا صلی الله علیه و آله به اطراف او پراکنده می شد؛ و در کودکی و بزرگی، در سفر و حضر، در شب و روز، هیچ گاه از آن حضرت جدا نگردید. چه آنگاه که در خیمه حلیمه سعدیه مادر رضایی خود بود، و چه در سفر شام برای تجارت، یا در خیمه ام معبد در حال هجرت، یا در مدینه در کسوت قیادت و رهبری و حکومت. و بدیهی است که آنچه در اینجا آورده شد، نمونه ای از انواع است و هرگز درصدد آمار و احصاء نبوده ایم. زیرا، احصای همه در توان هیچ پژوهشگری نگنجد. و آنچه بیان شد برای دارندگان قلب سلیم و گوش شنوا و دل آگاه بسنده باشد.

[1].48 [2].31 [3].8 [4].73 [5].96 [6].1 [7].3 [8].93 [9].248 [10].13
35 3 102 109 2 111 2 115 2 () 32 34 132 13
1 [11].172 [12].107 2 [13].132 [14].31 1 219 3 1 [15].15 1 [16].429 42 4 287 256 239 214 208 146
402 [17].1812 74 [18].113 7 178 5 [19].27 4 [20].31 1 [21].225 2 [22].2069 161 3 [23].247 118 1
1 [24].68 5 [25].46 4 [26].406 5 [27].202 3 [28].130 [29].212 11 [30].1405 4 [31].1615 [32].518 1 [33].367